



مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی



سیمای استان ها در بهبود محیط کسب و کار

غیر قابل پیش بینی بودن و
تغییرات قیمت مواد اولیه
و محصولات (بی ثباتی قیمت ها)

معاونت بهبود فضای کسب و کار

خرداد ۱۴۰۳



مقدمه

عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، زیست‌محیطی و فناوری وجود دارند که بر محیط کلان کسب‌وکار بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی کشور اثرگذاری دارند. از این بین، اثرگذاری برخی عوامل بیشتر در سطح ملی و برخی نیز بیشتر در سطح استانی است و مجموعه‌ای نیز در دو سطح ملی و استانی قابل پایش و تحلیل هستند. بر اساس ماده ۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار مصوب سال ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی، اتاق‌های بازرگانی و تعاون کشور موظف شدند تا به منظور اطلاع سیاست‌گذاران از وضعیت محیط کسب‌وکار در کشور، شاخص‌های ملی محیط کسب‌وکار در ایران را تدوین و به‌طور سالانه و فصلی حسب مورد به تفکیک استان‌ها، بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، سنجش و اعلام نمایند. در همین راستا، گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار از سال ۱۳۹۵ با ارزیابی ۷۰ مؤلفه پیمایشی و آماری در هر فصل توسط اتاق‌ها منتشر می‌شود که حاوی نکات ارزشمندی در زمینه محیط کسب‌وکار به‌ویژه در سطح استانی است که تاکنون مورد توجه جدی تحلیل‌گران قرار نگرفته است. اداره کل بهبود فضای کسب‌وکار مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی بنا دارد تا در قالب سلسله گزارش‌هایی در زمینه بررسی تحلیلی مؤلفه‌های پیمایشی و آماری محیط کسب‌وکار در استان‌ها طی ۷ سال گذشته اقدام و ضمن تهیه گزارش‌های مقایسه‌ای بین استان‌ها، با بررسی میزان اثرگذاری ملی و استانی مؤلفه موردنظر در بهبود وضعیت محیط کسب‌وکار استان (شاخص استان)، توصیه‌های سیاستی و مدیریتی در این خصوص ارائه نماید. در نخستین گزارش از این دست، به مؤلفه «غیرقابل‌پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» که مهم‌ترین مانع کسب‌وکار کشور در سال‌های اخیر بوده است، پرداخته شده است.

۱. درآمدی بر موضوع غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات:

در این قسمت سعی شده تا دلایل ایجاد مانع کسب و کار مورد نظر از منظر ملی و استانی مورد بررسی قرار گیرند. اهمیت این موضوع در آن است که سهم استان‌ها در بروز مانع و میزان اهتمام آن‌ها برای رفع آن با توجه به اختیارات استانی را تا حدودی مشخص می‌کند. بنابراین می‌توان توصیه‌هایی را به منظور کاهش فاصله استان‌ها در جهت بهبود محیط کسب و کار ارائه نمود.

الف) منظر ملی

به نظر می‌رسد که علل بروز این عامل تا حد زیادی (حدود ۹۰ درصد بر اساس نظر خبرگان) متأثر از وجود مشکلات کلان کشور در سطح ملی باشد. اقتصاددانان عمدتاً دلایل ساختاری و مدیریتی به شرح زیر را به عنوان علل وجود تورم بالا در کشور معرفی می‌کنند:

- ❑ ناترازی بودجه‌ای
- ❑ ناترازی بانکی
- ❑ کسری تجاری غیرنفتی
- ❑ کسری حساب سرمایه
- ❑ وجود شکاف تولید
- ❑ کاهش ارزش پول ملی
- ❑ کاهش بهره‌وری
- ❑ وجود انتظارات تورمی



شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد بروز این عوامل در سطح ملی می‌تواند به بی‌ثباتی قیمت‌ها بیانجامد و اتخاذ سیاست‌های استانی اثر بسیار کمتری در به وجود آوردن این پدیده دارد. از سوی دیگر هیچ متغیر اقتصادی دیگری مانند تورم نمی‌تواند بر شرایط عمومی محیط کسب و کار کشور اثرگذار بوده و اعتماد در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به شدت کاهش دهد. نتایج پایش ملی محیط کسب و کار، طی سال‌های اخیر نیز تأیید می‌کند که با افزایش تکانه‌های قیمتی در دوره‌های مختلف، میزان اثرگذاری منفی آن بر محیط کسب و کار علی‌رغم انجام اقدامات مؤثر در بهبود وضعیت سایر عوامل، بسیار جدی بوده است.

ب-منظر استانی

علی‌رغم موارد ذکرشده در سطح ملی با پدیده اختلاف معنی‌دار در کمیت مؤلفه «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» در طرح پایش ملی محیط کسب‌وکار و همچنین میزان تورم رسمی اعلامی در استان‌های کشور مواجه هستیم که نشان می‌دهد برخی عوامل استانی (با حدود ۱۰ درصد اثرگذاری بر اساس نظر خبرگان) به شرح زیر نیز می‌توانند ازجمله عوامل بروز اختلاف در میزان تورم و بی‌ثباتی قیمت‌ها در استان‌های کشور باشند:

- ❑ اختلاف در سبد مصرفی خانوارهای استان‌ها
- ❑ میزان مهاجریپذیری استان‌ها و سهم قیمت اجاره‌بها در سبد هزینه خانوارها
- ❑ کمیت و کیفیت نظارت نهادهای استانی مرتبط با تنظیم بازار و توزیع کالاها و خدمات
- ❑ میزان گستردگی جغرافیایی و کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل در استان‌ها
- ❑ مشکل در شبکه توزیع و وجود فعالیت‌های گسترده واسطه‌گری و دلالی در سطح استان
- ❑ ترکیب متفاوت نسبت خانوارهای شهری و روستایی در استان‌ها
- ❑ اثرگذاری سایر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مانند نرخ بیکاری، میزان درآمد متوسط و سطح فقر در استان‌ها



هرچند که ماهیت برخی از این عوامل ذکرشده در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت قابل تغییر و اصلاح نیست، ولیکن بررسی عوامل استانی مؤثر بر روند «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» در سطح استانی می‌تواند برای ارائه راهکارهای اصلاحی در مواجهه با این مانع مهم محیط کسب‌وکار الهام‌بخش باشد. در ادامه این گزارش با ارائه نتایج حاصل از استخراج داده‌های مؤلفه یادشده در ۳۱ استان کشور در ۳ دوره گذشته اجرای طرح پایش ملی محیط کسب‌وکار (از پاییز ۱۳۹۵ تا زمستان ۱۴۰۲) و مقایسه آن با برخی آمارهای استانی، به بررسی دقیق‌تر سیمای استان‌ها در موضوع گزارش خواهیم پرداخت.

۲. سیمای استان‌ها در مؤلفه غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات

۲-۱- نتایج طرح پایش

مطابق با ماده ۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار؛ «اتاق‌ها موظف هستند به‌منظور اطلاع سیاست‌گذاران از وضعیت محیط کسب و کار، در کشور، شاخص‌های ملی محیط کسب و کار در ایران را تدوین و به‌طور سالانه و فصلی حسب مورد به تفکیک استان‌ها، بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، سنجش و اعلام نمایند». در طرح پایش ملی محیط کسب و کار، داده‌های ۲۸ مؤلفه پیمایشی از روش تکمیل پرسشنامه با همکاری فعالان اقتصادی (تعیین‌شده با روش‌های نمونه‌گیری) به دست می‌آید. مؤلفه‌های پیمایشی مورد استفاده در محاسبه شاخص محیط کسب و کار کشور که به‌عنوان موانع کسب و کارها شناخته شده‌اند به شرح زیر هستند:

۱. نحوه استقبال مشتریان از نوآوری و ابتکار در ارائه خدمات و محصول
۲. برداشت‌های سلیقه‌ای از قوانین و مقررات توسط مأموران محیط زیست، شهرداری، گمرک، بهداشت و
۳. بی‌تعهدی طرف‌های قرارداد و معامله به اجرای تعهدات و وعده‌هایشان
۴. بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار
۵. غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات
۶. رویه‌های سخت‌گیرانه اداره‌های کار و بیمه تأمین اجتماعی برای مدیریت نیروی انسانی
۷. تمایل عمومی به خرید کالاهای خارجی و بی‌ رغبتی به خرید محصولات ایرانی
۸. تولید و عرضه نسبتاً آزاد کالاهای غیراستاندارد و تقلبی در بازار
۹. وجود رقابت غیرمنصفانه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا شبه‌دولتی در بازار
۱۰. رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات
۱۱. دشواری تأمین مالی از بانک‌ها
۱۲. فقدان یا شفاف نبودن آمار و اطلاعات موردنیاز برای فعالیت اقتصادی
۱۳. ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل (جاده‌ای، ریلی هوایی، دریایی و بندری)
۱۴. ضعف دادگاه‌ها در رسیدگی به شکایات و پیگرد مؤثر متجاوزان به حقوق دیگران
۱۵. وجود انحصار، امتیاز یا هر نوع رانت به یک یا تعدادی از رقبا در بازار
۱۶. ضعف نظام توزیع و مشکل در رساندن محصول به بازار
۱۷. عرضه کالاهای و محصولات قاچاق در بازار ایران
۱۸. فقدان ارتباط مناسب میان عوامل تأمین مواد اولیه، تولید و عرضه یک محصول در بازار
۱۹. دخالت‌های غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت‌ها در بازار
۲۰. کارگریزی عمومی و ضعف فرهنگ کار در جامعه
۲۱. کمبود تقاضا در بازار
۲۲. کمبود فناوری‌های نوین و تجهیزات موردنیاز
۲۳. کمبود نیروی کار ماهر
۲۴. محدودیت‌های دسترسی به شبکه تلفن همراه و اینترنت
۲۵. محدودیت دسترسی به آب
۲۶. محدودیت دسترسی به حامل‌های انرژی (برق، گاز، گازوئیل و...)
۲۷. فساد و سوءاستفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه‌های اجرایی
۲۸. موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاه‌های اجرایی



در بخش بررسی نتایج پیمایش، سعی شده تا با استفاده از داده‌های خام طرح (جدول ۱ و ۲)، میانگین امتیاز هر مؤلفه (عددی بین ۱ تا ۱۰ که به بهترین وضعیت مؤلفه امتیاز ۱ و به بدترین وضعیت مؤلفه امتیاز ۱۰ داده می‌شود) در طول دوره‌های اجرای طرح از ابتدا تاکنون برای هر استان استخراج و وضعیت استان‌ها در قالب نمودار و جداول آماری با یکدیگر مقایسه شود. مؤلفه «غیرقابل‌پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» یکی از مؤلفه‌هایی است که از ابتدای آغاز طرح به‌صورت مستمر مورد پرسش قرار گرفته و در ۲۰ دوره از اجرای طرح، به‌عنوان اولین و مهم‌ترین مانع در برابر کسب‌وکارها با میانگین رقم شاخص در طول دوره‌های اجرا معادل ۸٫۲۶ ارزیابی شده است.

بررسی اجمالی این عدد نشان می‌دهد که این عامل مهم‌ترین مانع پیشروی کسب‌وکارهاست؛ زیرا بیشترین فاصله را با میانگین شاخص کل پایش (۲۸ مؤلفه) در بخش پیمایشی آن در ادوار مختلف اجرای طرح (حدود عدد ۶) داشته است. بنابراین بی‌ثباتی قیمت‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر سایر مؤلفه‌های کسب‌وکار و در نهایت بر شاخص کل محیط کسب‌وکار نیز اثر منفی می‌گذارد. در این میان بررسی وضعیت استان‌ها در این مؤلفه در طول ادوار مختلف اجرای طرح نیز نشان از وجود الگوی مشخص بین استان‌ها دارد.

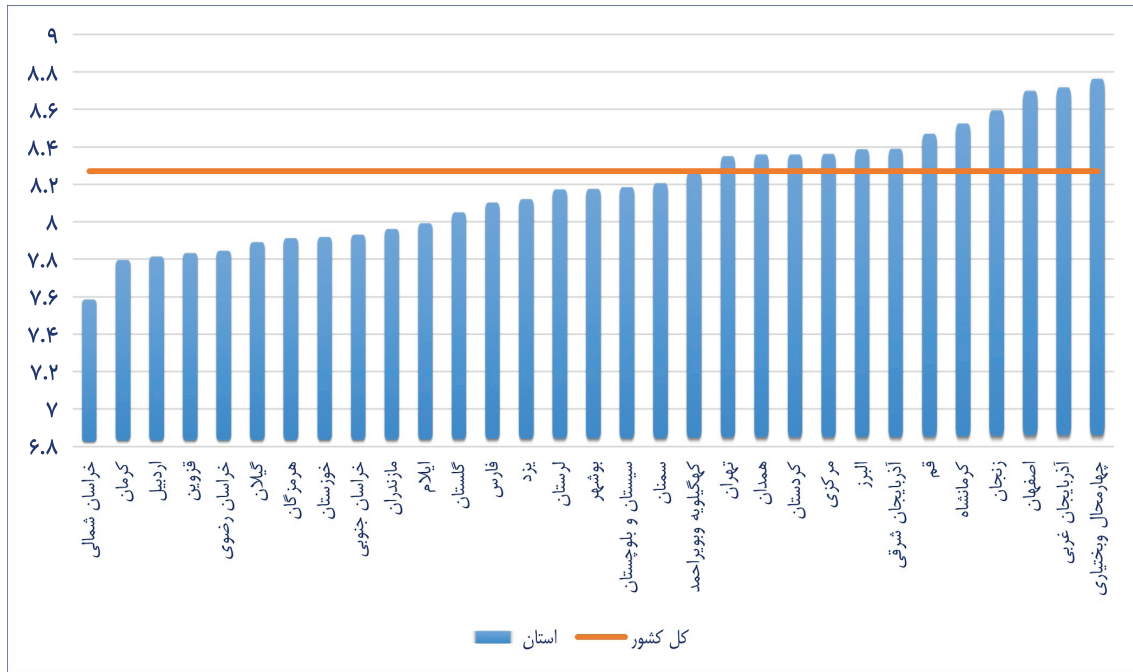
در جدول ۱، رقم مؤلفه استانی (سطرها) عامل «غیرقابل‌پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» در طول ۳۰ دوره اجرای طرح (ستون‌ها) به تفکیک هر استان ارائه شده است. بر اساس اطلاعات این جدول و نظر فعالان اقتصادی شرکت‌کننده در این طرح، ۱۳ استان کشور دارای میانگین بالاتر از متوسط کشوری و ۱۸ استان نیز دارای میانگین پایین‌تر از متوسط کشور بوده‌اند. همچنین ۵ استان چهارمحال بختیاری، آذربایجان غربی، اصفهان، زنجان و کرمانشاه به ترتیب دارای بیشترین عدد مؤلفه (وضعیت بدتر نسبت به سایر استان‌ها) و ۵ استان خراسان شمالی، کرمان، اردبیل، قزوین و خراسان رضوی به ترتیب دارای کمترین عدد مؤلفه (وضعیت بهتر نسبت به سایر استان‌ها) ارزیابی شده‌اند.



صفحه ۸

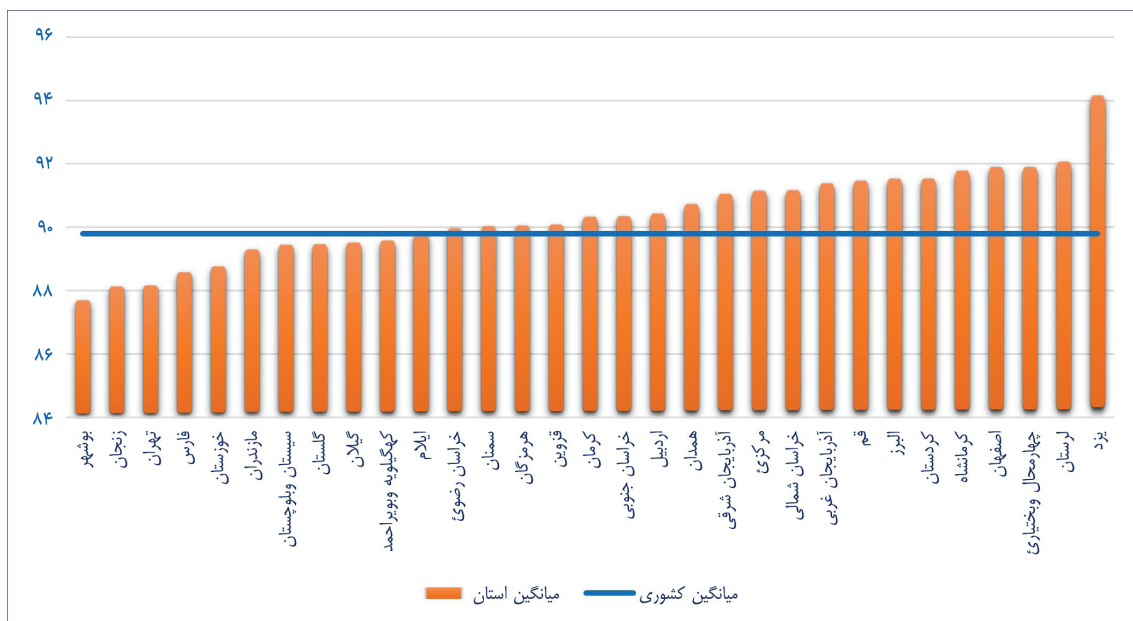
مأخذ: یافته‌های طرح پایش ملی محیط کسب و کار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

نمودار ۱- میانگین نتایج پایش استان‌های کشور در مؤلفه مزبور در ۳۰ دوره اجرای طرح در مقایسه با میانگین کشوری



مأخذ: یافته گزارش بر اساس داده‌های طرح پایش ملی محیط کسب و کار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

نمودار ۲- میانگین شاخص قیمت مصرف‌کننده استان‌های کشور در ۳۰ دوره در مقایسه با میانگین کشوری (سال پایه ۱۴۰۰)



مأخذ: یافته گزارش بر اساس داده‌های شاخص قیمت مصرف‌کننده مرکز آمار ایران

۲-۲-آمارهای رسمی

در این بخش، سعی شده تا با استفاده از برخی آمارهای رسمی مرتبط با مؤلفه «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» به مقایسه وضعیت محیط کسب و کار در سطح استان‌های کشور پرداخته شود.

۲-۱-۲-شاخص قیمت مصرف‌کننده

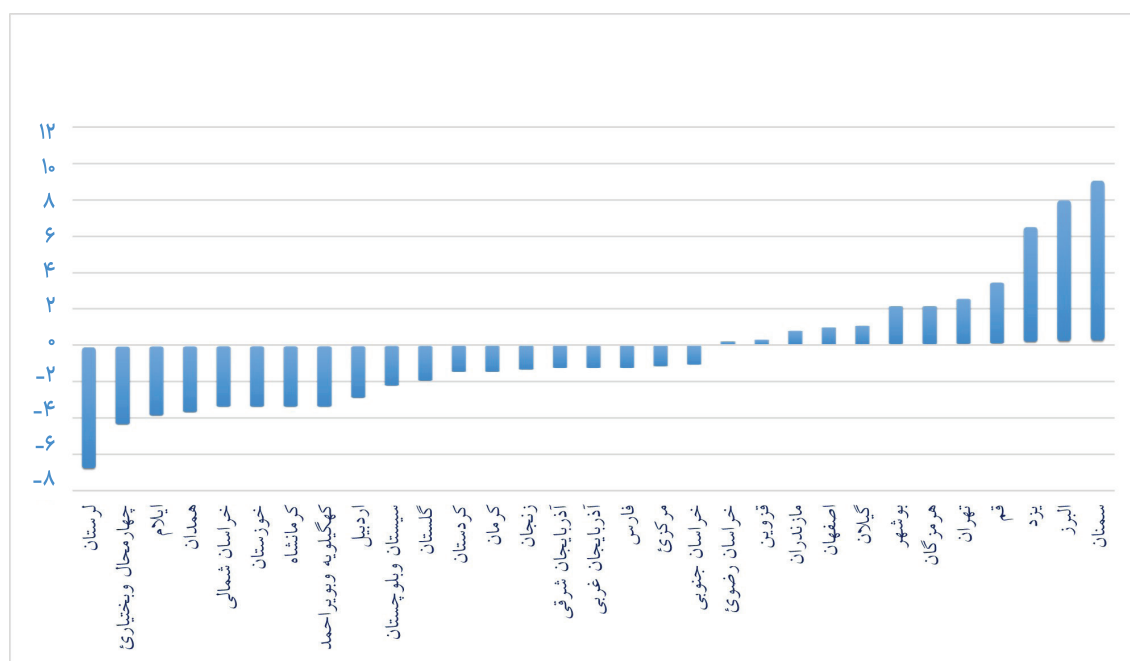


مهم‌ترین شاخص آماری که می‌تواند تغییرات قیمت در این خصوص را بیان دارد «شاخص قیمت تولیدکننده» در بخش‌های مختلف اقتصادی است. از آنجاکه اطلاعات این شاخص در سطح استانی وجود ندارد، لذا می‌توان برای مقایسه از «شاخص قیمت مصرف‌کننده» (یا همان نرخ تورم) در استان‌ها استفاده نمود که قابلیت محاسبه فصلی نیز دارد. در این بین برای اینکه امکان میانگین‌گیری استانی نیز وجود داشته باشد، از عدد شاخص به جای نرخ تورم استفاده شده است. لازم به ذکر است با تغییر سال پایه در سال ۱۴۰۰، عدد شاخص در این سال معادل ۱۰۰ و عدد شاخص در سال‌های قبل و بعد از سال پایه متناسب با اطلاعات موجود محاسبه و در جدول ۱ آورده شده‌اند. میانگین عدد شاخص برای دوره زمستان ۱۳۹۵ تا زمستان ۱۴۰۲ معادل ۸۹٫۸ برآورد شده است. طبیعی است که چون اکثر ارقام شاخص قیمت مصرف‌کننده مربوط به سال‌های (از زمستان ۱۳۹۵) قبل از تغییر سال پایه (۱۴۰۰) بوده است میانگین شاخص قیمت نیز کمتر از ۱۰۰ محاسبه شده است و این به معنی عدم وجود تورم در طی این سال‌ها نیست. بر اساس اطلاعات این جدول، ۲۱ استان کشور دارای میانگین بالاتر از متوسط کشوری و ۱۰ استان نیز دارای میانگین پایین‌تر از متوسط کشور بوده‌اند. همچنین ۵ استان یزد، لرستان، چهارمحال بختیاری، اصفهان و کرمانشاه به ترتیب دارای بیشترین عدد شاخص قیمت (وضعیت بدتر نسبت به سایر استان‌ها) و ۵ استان بوشهر، زنجان، تهران، فارس و خوزستان به ترتیب دارای کمترین عدد شاخص قیمت ارزیابی شده‌اند.

۲-۲-۲- خالص مهاجرت

یکی از عواملی که اثر قابل توجهی بر سطح عمومی قیمت‌ها در استان‌های مختلف دارد میزان مهاجری استان است که از دو جنبه میزان فشار بر تقاضای مسکن و دیگری میزان مصرف خانوارها بر سبد کالای مصرفی خانوارهای استان اثرگذار است. با توجه به اینکه وزن هزینه اجاره مسکن در سبد مصرفی خانوارها زیاد است و از طرف دیگر نسبت خانوارهای شهری و روستایی در استان پس از قبول مهاجران در استان نیز بر سبد مصرفی خانوارها اثر می‌گذارد، لذا بررسی این موضوع نیز می‌تواند در چرایی تفاوت میزان این مؤلفه در استان‌های مختلف مفید باشد. بر اساس آخرین اطلاعات موجود در خصوص میزان خالص مهاجری استان‌ها که از نتایج اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ به دست آمده است ۵ استان سمنان، البرز، یزد، قم و تهران دارای بیشترین مقدار مهاجری (نسبت به هزار نفر جمعیت استان) و ۵ استان لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان و خراسان بیشترین میزان مهاجر فرستی را در بین استان‌های کشور داشته‌اند. در بین استان‌های دارای بیشترین مقدار تورم دوره‌ای مانند استان یزد، استان‌های با نرخ مهاجری بالا بیشتر به چشم می‌خورند.

نمودار ۳- استان‌های ایران به ترتیب مهاجری در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ (در هر هزار نفر جمعیت)

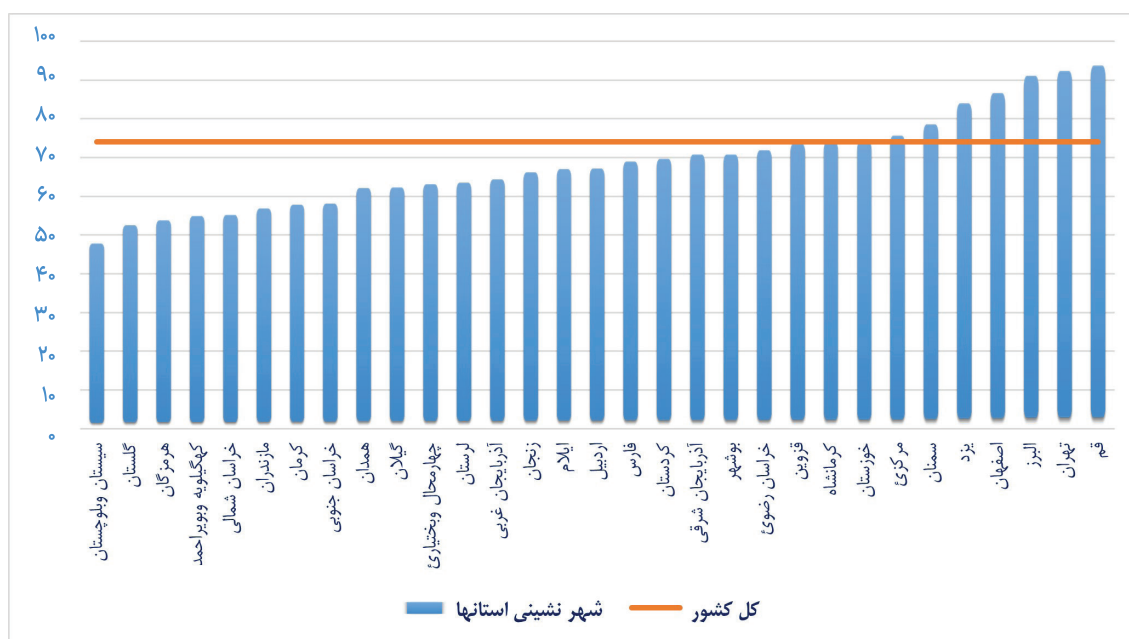


مأخذ: مرکز آمار ایران- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

۲-۳- میزان شهرنشینی

بررسی نتایج طرح هزینه و درآمد خانوارهای کشور نشان می‌دهد که سبد مصرفی خانوارهای کشور در مناطق شهری و روستایی تفاوت‌های قابل توجهی دارد که به دلیل وزن متفاوت اقلام موجود در سبد مصرفی خانوارها در محاسبه نرخ تورم، منجر به تفاوت در نرخ تورم در مناطق شهری و روستایی کشور می‌شود. از این منظر در نمودار ۴، درصد شهرنشینی در استان‌های کشور از کمترین به بیشترین بر اساس اطلاعات آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۹۵ (میانگین شهرنشینی کل کشور معادل ۷۴ درصد تعیین شده است) ارائه شده است. بررسی رابطه بین میزان شهرنشینی و نرخ تورم در ادوار مختلف نشان می‌دهد که در بین استان‌های دارای بیشترین نرخ تورم در ۷ سال گذشته، مناطق دارای درصد شهرنشینی بالاتر (البته با محرومیت بیشتر) بیشتر به چشم می‌خورند که با نتایج اخیر در کشور که در آن مناطق روستایی دارای نرخ تورم بالاتری هستند تا حدودی تفاوت دارد.

نمودار ۴- میزان شهرنشینی به تفکیک استان: ۱۳۹۵



مأخذ: مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

۲-۴- سایر عوامل

همان‌گونه که در بخش منظر استانی به آن اشاره شد عوامل دیگری را نیز می‌توان به عنوان دلایل تفاوت وضعیت مؤلفه «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» در سطح استان‌های کشور برشمرد. از جمله گستردگی جغرافیایی و سطوح کمی و کیفی راه‌های مواصلاتی و کمیت و کیفیت وسایل حمل و نقل عمومی داخل استان که می‌تواند بر هزینه‌های جابجایی کالا و خدمات اثرگذار باشد. همچنین میزان نرخ مشارکت اقتصادی و سطح اشتغال و بیکاری در استان که می‌تواند بر سطح دستمزد و قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات اثرگذار باشد. علاوه بر آن کارایی دستگاه‌های نظارتی در استان نیز می‌تواند افزایش بی‌رویه سطح قیمت‌ها در استان را کنترل و مهار نماید.

۳- نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های موجود از جنبه نظرسنجی پیمایشی و آمارهای رسمی تا حد قابل قبولی نتایج زیر را تأیید می‌کند:

۱- علی‌رغم اینکه سهم عوامل ملی اثرگذار بر این مؤلفه بسیار قابل توجه است، ولیکن بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که اختلاف استان‌ها در مؤلفه بی‌ثباتی قیمت‌ها معنی‌دار است. بنابراین برای کاهش اختلاف رتبه بین استان‌ها در این مؤلفه، انجام برخی اقدامات اصلاحی هرچند اندک در سطح استان، می‌تواند اثربخش باشد.

۲- محاسبه روند نرخ تورم استانی در طول ۷ سال گذشته با نتایج بررسی مؤلفه مربوط در طرح پایش در همین دوره نشان می‌دهد که برداشت ذهنی از بی‌ثباتی قیمت‌ها با نرخ تورم در استان‌ها به هم نزدیک است، هرچند در معدودی از استان‌ها، این نتیجه کمی متفاوت است.

۳- ساختار اجتماعی و فرهنگی استان‌ها در بروز ایجاد تفاوت در مورد این مؤلفه اثرگذار بوده و فرضیات اشاره‌شده در بخش منظر استانی را تا حد زیادی تأیید می‌کند.

۴- به نظر می‌رسد برای تعیین میزان اثرگذاری عوامل استانی بر بهبود فضای کسب‌وکار در این مؤلفه، نیاز به بررسی‌های بیشتری وجود ندارد و اجماع خبرگانی نیز در خصوص حاصل است که نزدیک به ۹۰ درصد عوامل به وجود آورنده بی‌ثباتی قیمت‌ها در سطح استان‌ها، دلایل ملی و غیر استانی دارد.

۴- پیشنهادها

با توجه به اینکه سهم عوامل ملی در ایجاد بی‌ثباتی قیمت‌ها بسیار قابل توجه است، لذا تمرکز بر سیاست‌های کلان اقتصادی و پولی به منظور کنترل تورم و ثبات بخشی به اوضاع اقتصادی کشور، امری ضروری و فوری است. بر اساس نتایج به دست آمده در این گزارش و به منظور اصلاح وضعیت این مؤلفه (کاهش اثرات منفی آن در ارزیابی استانی) در استان‌های کشور، می‌توان اقدامات تکمیلی به شرح زیر را پیشنهاد داد:

۱- با برگزاری نشست‌های تخصصی و کارشناسی، از نظر فعالان اقتصادی شرکت‌کننده در طرح پایش و یا سایر خبرگان در زمینه راهکارهای استانی برای مقابله با این مانع مهم کسب و کار بهره‌گیری شود.

۲- در زمینه تقویت نظارت بر فرایندهای تولید و توزیع کالاها و خدمات در سطح استان با همکاری اتاق‌های سه‌گانه و نهادهای نظارتی استان اقدام شود. در این راستا راه‌اندازی یک سامانه پویا و در دسترس برای عموم مردم در راستای گزارش‌گیری از وضعیت بازار و ثبت تخلفات برای بررسی از سوی دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط یکی از بهترین راهکارهای حل این مشکل در نظام عرضه و تقاضا در بازار است و به نظر می‌رسد تبدیل نظارت سنتی از عوامل اجرایی دولتی به شرکت‌های نوپا یا نوآفرین (استارت‌آپ) راه‌حل مناسبی برای حل این مشکل باشد.

۳- دلایل افزایش قیمت تمام‌شده تولید کالا و خدمات در سطح استان در مقایسه با سایر نقاط کشور مورد بررسی قرار گرفته و برنامه‌ریزی به منظور رفع موانع موجود با توجه به اعتبارات و اختیارات استانی صورت پذیرد. از جمله این موارد می‌توان به بالاتر بودن دستمزد نیروی انسانی، بالا بودن هزینه‌های حمل و نقل و انبارداری، عدم استفاده از فناوری‌های جدید در خطوط تولید، کمبود سرمایه در گردش و... اشاره نمود.

۴- حمایت از تولید داخلی از طریق ارائه مشوق‌های لازم، تسهیلات بانکی و رفع موانع تولید، می‌تواند به افزایش عرضه کالا و خدمات در استان‌ها، ایجاد رقابت در بازار و به تبع آن کاهش نوسانات قیمتی منجر گردد.

۵- توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در استان‌ها، از جمله حمل و نقل، ارتباطات و انرژی، می‌تواند به کاهش هزینه‌های تولید و توزیع کالا و خدمات، افزایش کارایی و در نهایت ثبات بخشی به قیمت‌ها در بازارها کمک نماید.

۶- با توجه به اینکه ساختار اجتماعی و فرهنگی استان‌ها در بروز بی‌ثباتی قیمت‌ها اثرگذار بوده است، لذا برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به منظور ارتقای سطح آگاهی و مشارکت مردم در امر نظارت بر بازار و ترویج فرهنگ مصرف درست، می‌تواند در کاهش این پدیده مؤثر باشد.

۷- انجام تحقیقات و مطالعات عمیق‌تر در خصوص عوامل مؤثر بر بی‌ثباتی قیمت‌ها در سطح استان‌های مختلف، با تفکیک اقلام و کالاهای اساسی و غیراساسی، می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر چالش‌ها و ارائه راهکارهای تخصصی‌تر در این زمینه کمک نماید. ضمناً رصد مستمر و پایش شاخص‌های مربوط به بی‌ثباتی قیمت‌ها در استان‌ها و انجام مطالعات دوره‌ای، می‌تواند به ارزیابی اثربخشی سیاست‌های اتخاذ شده و ارائه راهکارهای اصلاحی در صورت نیاز کمک نماید.



مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

